



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۹، دوره ۳، شماره ۲

بررسی تأثیر برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین در افزایش مشارکت اجتماعی

(مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت)

شهریار برقی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (جامعه‌شناسی سیاسی) دانشگاه آزاد اسلامی قم

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین در افزایش مشارکت اجتماعی انجام شده است. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنان شهرستان پاکدشت (محلۀ استاد شهریار) بودند که جمعیت مناطق حاشیه‌نشین آن در حدود سی هزار نفر تخمین زده می‌شود که به این ترتیب حجم نمونه با استفاده از جدول کوکران عدد ۳۷۹ به دست آمده است. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است که روایی و پایایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون و نرم‌افزار SPSS داده‌ها تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین توانمندسازی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. توانمند کردن مناطق حاشیه‌نشین و دادن برخی امتیازات می‌تواند تأثیرات بسیار مؤثری بر افراد ساکن در این محله‌ها با خود به همراه داشته باشد. و موجب بالا رفتن مشارکت اجتماعی آن‌ها شود. به‌طورکلی می‌توان گفت توانمندسازی اجتماع‌محور و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و محله‌ای در یک ارتباط دوسویه با یکدیگر قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، مشارکت اجتماعی، مناطق حاشیه‌نشین، شهرستان پاک دشت، مدیریت شهری

مقدمه

توسعه فیزیکی و شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بسیاری داشته که حاشیه‌نشینی یکی از این آثار است. (قرل سوفلو و انتظام، ۱۳۹۴: ۳). حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، بیش از هر چیز یک واقعیت کالبدی و ریخت‌شناسی است که حاصل اسکان‌یافتگی گروهی از مردم بوده است. طبق آمارهای موجود حدوداً هشت میلیون نفر از جمعیت ایران در این نوع سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند، استان تهران به خاطر فرصت‌های شغلی و معیشتی بستر جمعیت‌کثیری از مهاجران بی‌بضاعت است که مهاجران برای خروج از وضعیت فقر به آن پناه می‌برند. شهرستان پاکدشت یکی مراکز مهاجرپذیر در جنوب شرق استان تهران که به خاطر نزدیکی مسافت به شهر تهران، ارزانی زمین و مسکن، وجود چندین شهرک صنعتی، تولیدی و کارخانه‌ها در شهرستان و عدم نظارت و مدیریت صحیح شهری شاهد بروز مناطق حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در بیست کیلومتری پایتخت جمهوری اسلامی ایران هستیم (پوراحمد و وفایی، ۱۳۹۶: ۶۲).

حاشیه‌نشینی و مشکلات خاص آن برای مدیران شهری معضل ساز شد. نکته مهم درباره حاشیه‌نشینی این است که این پدیده درعین‌حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و خصوصاً اقتصادی است، به مشکلات دیگری همچون بزهکاری نیز دامن می‌زند. کارشناسان و مدیران شهری رویکردهایی را برای رویارویی با این مسئله بکار گرفته‌اند، رویکردهایی که با توجه به پیچیدگی و پویایی شهرها مدام در حال تغییر است. پس از به‌کارگیری رویکردهایی همچون نادیده گرفتن، تخریب و جابجایی، عرضه زمین و خدمات، و بهسازی که هیچ‌یک در عرصه عام چندان موفقیت‌آمیز نبودند، ناکارآمدی دیدگاه از بالا به پایین در حل مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی روشن شد. از این رو به‌کارگیری دیدگاهی متفاوت با برنامه‌ریزی سنتی و بهره‌گیری از مشارکت مردمی بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گرفت و بدین ترتیب توانمندسازی به‌عنوان رویکرد تازه‌ای برای رویارویی با اسکان غیررسمی مطرح شد (توکلان و مهری، ۱۳۹۶: ۱).

در توانمندسازی علاوه بر توجه به جنبه‌های کالبدی که از راه مشارکت برای ارتقاء محیط کالبدی محقق می‌شود، به جنبه‌های اجتماعی (ارتقاء اجتماعی) و اقتصادی (توانمندسازی اقتصادی) نیز توجه می‌شود و راهبرد تحقق این هدف‌ها سازمان‌دهی اجتماعی و مشارکت عمومی در همه زمینه‌هاست (همان). در واقع می‌توان با بهره‌گیری از فرصت‌های درون مناطق حاشیه‌نشین اقداماتی برای ساماندهی این مکان‌ها انجام داد. هدف از توانمندسازی شهروندان به‌خصوص در

مناطق حاشیه‌ای شهرها، ایجاد تغییرات مناسب در کلیه ابعاد و جوانب زندگی افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و اقشار جامعه است. در این حوزه توانمندسازی نشان دادن این حقیقت به مردم مناطق شهری است که مشارکت آثار مهمی بر توسعه ظرفیت‌های جامعه دارد (عباسی کارجگان و اسدی، ۱۳۹۲: ۷۶). نتایج پژوهش غفاری و ازکیا (۱۳۸۰) نشان داد که همبستگی معنادار و مستقیم بین اعتماد و مشارکت اجتماعی می‌باشد مردم در مدیریت شهری وجود دارد، بدین معنا که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج پژوهش خلیفا^۱ (۲۰۱۵) نشان‌دهنده این نکته است که استفاده از سیاست‌های مشارکتی این تغییر یک راه حل تحریک کننده است تا با استفاده از توسعه مشارکتی‌های مؤثر در بهبود سکونتگاه‌های غیررسمی برداشته شود.

مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده روابط اجتماعی است و ویژگی‌هایی همچون اعتماد، همکاری، هنجارها و باورهای مشترک، روابط متقابل بین اعضا را در برمی‌گیرد. سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک گروه می‌پردازد. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. در واقع مشارکت جامعه نه‌فقط برای مشورت و جلب نظر مردم و یا استفاده از توانمندی‌های بالفعل و بالقوه آنان است، به‌عنوان راهکاری «آموزش» و «توانمندسازی» بلکه مسیر مشارکت باید به توانمندی مردم ختم شود. (طالبی و غفوری، ۱۳۹۳: ۱) با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری، یکی از اهداف سند ملی توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی (مصوب ۱۳۸۲) افزایش توان اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی ساکنان برای اداره زندگی خود و مشارکت در فرایند ساماندهی محدوده‌ها و محله‌های هدف تعریف شده است.

در حال حاضر شهرستان پاکدشت به علت نزدیک بودن به شهر تهران و با داشتن زمین‌های ارزان‌قیمت و مجاورت با شهرک‌های صنعتی و تولیدی مستعد مهاجرپذیری افراد کم‌درآمد و کارگران ساده می‌باشد. و به علت فقدان مدیریت یکپارچه شهری و شرایط کالبدی شهر، شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین و پیامدها و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در این مناطق اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. لذا با توجه به شرایط فوق‌الذکر و علاقه شخصی و زندگی کردن بیش از دو دهه در این شهرستان و آشنایی با مشکلات موجود؛ بررسی رابطه توانمندسازی در افزایش مشارکت

^۱Khalifa

اجتماعی ساکنان این مناطق به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در برون‌رفت مناطق حاشیه‌نشین شهری و محلات فرودست شهر پاکدشت از شرایط حاضر ساکنین را ضروری می‌سازد.

بر این اساس مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین در افزایش مشارکت اجتماعی تدوین شده و سؤال اصلی این است که برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین چه تأثیری بر افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان این مناطق بر مدیریت شهری خواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند سازوکارهایی جهت توانمندسازی شهروندان مناطق حاشیه‌نشین و ترغیب آن‌ها به مشارکت فعال در امور شهری و محله‌ای ارائه دهد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حاشیه نشینی

حاشیه نشینی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی مانند جریان سریع شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی لجام گسیخته در بیشتر کشورهای جهان، به ویژه کشورهای جهان سوم پدیدار شده است. جامعه‌شناسان مکتب شکاگو، نظیر پارک (۱۹۶۸) مهاجرت و حاشیه نشینی را از منظر بی‌سازمانی اجتماعی که پیامد استیلاي صنعت، تحرک و تراکم بالای جمعیت است مورد توجه قرار می‌دهند و بر این باورند که چنین تغییراتی در درون حوزه‌های کلان‌شهرها، ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند. (ربانی و اقشارکهن، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۹۵).

بنا بر برخی تعاریف، حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در سکونت‌گاه‌های غیرمعارف با ساکنان بافت اصلی (شهر) زندگی می‌کنند و بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه، فقر، بیکاری و کمتر عوامل جاذب شهری از زادگاه خود روستا، ایل یا شهرهای کوچک رانده می‌شوند و به شهرها روی می‌آورند (منصوریان و آیت‌اللهی، ۱۳۵۶: ۲۵).

حاشیه نشینی دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می‌کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده‌ها باشد که به علت هزینه‌های بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی

شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی‌توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می‌آورند که امکان کنترل‌های اجتماعی و هنجاری کمتری در آنجا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

اما وجه درونی حاشیه نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. بر این اساس وضعیت حاشیه نشینی آن گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می‌دارد، شرایط یا عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزشهای فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزشهای دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آنها نشده است. به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شخصیت متمایزی برای فرد می‌شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگها، حالت کناره گیری از خود نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزشها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می‌گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می‌نشیند (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳: ۶۸-۴۳).

تأثیر حاشیه نشینی بر توسعه شهری

منطقه‌ی حاشیه نشین، منطقه‌ای است که فقر در چهره‌ی آن شدیدا نمایان است و میزان زاد و ولد و مرگ و میر کودکان و نوزادان و اعمال نامشروع، جرم و بزهکاری جوانان، ناهنجاری‌ها و مرگ و میر عمومی در آن بالاست؛ به طوری که چنین مکانی معرف وضعیتی جهنم گونه در روی زمین است». حاشیه نشین به مفهوم کلی به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد، ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. گرچه ریشه‌ی اصلی حاشیه نشینی را باید در عواملی که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود، جست و جو کرد؛ اما همه‌ی حاشیه نشینان به منظور ارزیابی اثرات اجرای طرح‌های توانمندسازی بر رضایتمندی سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی مهاجران تشکیل نیافته‌اند، بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که ساکنان همیشگی شهر بوده‌اند؛ ولی به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیراستاندارد زندگی می‌کنند و جزء حاشیه نشینان شمرده می‌شوند (صفرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۷-۲۳۰).

از عوامل عمده ایجاد ناپایداری در مناسبات شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی است که بنا به مشاهدات جهانی در حال گسترش فزاینده است. این گونه سکونتگاهها هرچند جلوه ای از فقر را نمایان می سازد، بازتاب کاستیها و نارساییهای سیاستهای دولت و بازار رسمی نیز محسوب می شود. اسکان غیررسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده به گونه ای که نیاز جدی به اتخاذ تدابیر ویژه ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده بایستی در دستور کار مدیران و دولتمردان قرار بگیرد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۸۱-۶۵).

اکثر حاشیه نشینان، مهاجران روستایی هستند که با کوله باری از فقر و محنت و به قصد دستیابی به زندگی بهتر، جذب زندگی شهری شده اند و تخصص آنها که بیشتر در زمینه کشاورزی سنتی بوده، اینک در مشاغل سیاه و کاذب و فعالیتهای ساختمانی، رفتگری، کارگری ساده و به عبارتی در بخشهای غیرمولد به کار افتاده است.

عدم مشارکت، احساس تبعیض، نداشتن روحیه تعلق شهروندی، کامروایی معوق و.. از ویژگیهای عمده شخصیتی حاشیه نشینان است. حاشیه نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست، اگر چه خانه او در شهر است و لذا پیوسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می برد. اگر حاشیه رانده شدگی کامل شود ما با بحران شهری روبه رو می شویم و به نظر می رسد که بررسی آن از منظر جامعه شناسی مسائل اجتماعی خارج و در حوزه جامعه شناسی بحران قرار گیرد (همان).

حاشیه نشینی یکی از پاشنه آشیلهای توسعه پایدار شهری تلقی می شود، بر اساس مصوبات برنامه توسعه هزاره سازمان ملل بایستی تا سال ۲۰۱۵ میلادی، دست کم ۱۰ میلیون زاغه نشین از امکانات بهداشتی، مسکن و فرصتهای نوین آموزش برخوردار شوند (امیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳۳-۲۱۳).

ویژگیهای حاشیه نشینی و حاشیه نشینان :

ویژگیهای بارز و رایج مناطق حاشیه نشین و انسان حاشیه نشین عبارتند از :

- ۱ - حاشیه نشینی ناشی از فقر است.
- ۲ - حاشیه نشینی ناشی از تشدید نرخ مهاجرت های روستایی - شهری است.

- ۳- در مناطق حاشیه نشین، اشتغال غیر رسمی، غیرمولد و انگلی وجود دارد.
- ۴- در منطق حاشیه نین فرهنگ فقر وجود دارد.
- ۵- در مناطق حاشیه نشین تقدیر گرایی حاکم است.
- ۶- حشاشیه نشینان دارای سطح سواد و درآمد پایین هستند.
- ۷- نرخ بیکاری در مناطق حاشیه نشین بسیار بالا است.
- ۸- حاشیه نشینان در سکونتگاههای غیر متعارف و غیراستاندارد زندگی می کنند.
- ۹- تراکم جمعیت در مناطق حاشیه نشین بسیار بالا است.
- ۱۰- میزان کار کودکان در مناطق حاشیه نشین بسیار بالا است.
- ۱۱- میزان انحراف و جرم در مناطق حاشیه نشین بسیار زیاد است.
- ۱۲- از نظر اجتماعی و فرهنگی مناطق حاشیه نشین، بافتی جدا از بافت جامعه شهری دارند (محسنی، ۱۳۹۰: ۵).

توانمندسازی

واژه توانمندسازی (*EMPOWER*) در فرهنگ فشرده آکسفورد؛ «قدرتمندشدن»، «مجوزدادن»، «ارائه قدرت» و «تواناشدن» معنی شده است. تاریخچه نخستین تعریف اصطلاح «توانمندکردن» به سال ۱۷۸۸ برمی گردد که در آن توانمندکردن را تفویض اختیار در نقش سازمانی خود می دانستند که این اختیار بایستی به فرد اعطا یا در نقش سازمانی او دیده شود. این توانمندکردن به معنی اشتیاق فرد برای پذیرش مسئولیت، واژه ای بود که برای نخستین بار به طور رسمی به معنی پاسخگویی تفسیر شد. گرو (۱۹۷۱) به تعاریف رایج فرهنگ لغت از توانمندکردن اشاره می کند که شامل تفویض قدرت قانونی، تفویض اختیارکردن، مأموریت دادن و قدرت بخشی است. در سال ۱۹۹۰ گاندز توانمندکردن را با واگذاری قدرت تصمیم به کارکنان مفهوم سازی کرد؛ اما زایمرمن (۱۹۹۵) به ارائه تعریفی آسان از آن تأکید کرد و معتقد است زمانی ارائه تعریفی از توانمندکردن آسان است که به آن بدون در نظر گرفتن واژه هایی مانند «درماندگی»، «بی قدرتی» و «بیگانگی» توجه کنیم. هرگاه بخواهیم آن را با توجه به افراد گوناگون تعریف کنیم بسیار مشکل است. ادبیات توانمندکردن تاکنون بسیار دگرگون شده است تا اینکه لی (۲۰۰۰) توانمندکردن را زمینه ای برای افزایش گفتگوها، تفکر انتقادی و

فعالیت در گروه‌های کوچک می‌داند و اشاره می‌کند که اجازه‌دادن به فعالیت‌هایی برای حرکت به فراسوی تسهیم، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگوها از اجزای اصلی توانمندکردن است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰).

توانمندسازی اجتماع محور

رویکرد توانمندسازی با محور قراردادن مردم و سازمان‌های غیردولتی، توسعه را از پایین به بالا، و از درون جامعه به پیش می‌برد. محلی‌گرایی، سازمان‌های غیردولتی و مردم محلی از جمله مهم‌ترین متغیرهای توسعه مردمی هستند (مراذاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۸). توانمندسازی اجتماع محور، اصطلاحی است که از تلاقی چندین رشته، روانشناسی اجتماعی، آموزش سلامت، سازماندهی اجتماعی و مددکاری اجتماعی وارد بحث توسعه اجتماعی شده است. اصطلاحاً توانمندسازی اجتماع محور و ارتباط آن با توسعه محلی، رویکردی غیرمتمرکز و مشارکتی است و به نوعی مکمل ارتقابخشی است که در رابطه با تأمین حق مالکیت و توسعه اقتصادی در محله‌های فقیرنشین، علاوه بر مشارکت در ساخت و ساز محله (توانمندسازی اقتصادی) ضرورت درگیر شدن ساکنان محله در فرآیند برنامه‌ریزی (توانمندسازی اجتماعی) برای تشخیص اولویت‌های اقدام و حمایت در اجرا را ضروری می‌داند (توانمندسازی فرهنگی) (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲).

نظریه توانمندسازی اجتماع محور فیتزمن

در این مقاله از نظریه فیتزمن در رابطه با بحث توانمندسازی استفاده شده است؛ فیتزمن از جمله کسانی است که درباره توانمندسازی نظریه دارد. برای مدل ارزشیابی توانمندساز به جای سه مرحله پنج مرحله قائل بوده است که به لحاظ محتوایی مشابه سه مرحله معرفی شده در مقاله اش در سال ۲۰۰۰ است. این پنج مرحله عبارتند از: ۱- بررسی موجودی؛ ۲- تعیین اهداف؛ ۳- گسترش راهبردها؛ ۴- فرایند مستندسازی و ۵- اجتماع پویایی یادگیران. برایت اساس ۵ سطح توانمندسازی اجتماع محور فیتزمن عبارت است از: آموزش، تسهیلگری، حمایت، آشکارسازی و آزادسازی.

آموزش به مردم آموخته می‌شود که خود مجری ارزشیابی‌های خود باشند و برعکس ارزشیابی‌هایی که توسط ذی‌نفعان در برنامه اجرا می‌شود. در تسهیل‌گری تلاش می‌شود به بازیگران (مردم محله) کمک شود

تا یک طرح را خود پیاده کنند و نقش ارزشیاب (آموزش دهنده) به عنوان یک مربی، ارائه راهنمایی های عمومی و جهت دادن به تلاش هاست. در حمایت بر دفاع از مردم در پیاده کردن طرح های توسعه ای تاکید می شود و مربیان برای دستیابی به اهداف و پیشرفت، در واقع اعتماد به نفس به مردم می دهند. سطح آشکارسازی آشکارسازی، یک نوع بازکردن چشم است و به مردم جهت می دهد تا بتوانند مسائل را ببینند و طرح بدهند و آن را خودشان اجرا کنند و در مدل در مدل آزاد سازی ارزشیاب توانمندساز، بروزدهنده استعداد های مردم است و نوعی زمینه بروز، استعداد های مردم را برای تصمیم گیری فراهم می کند تا درباره چگونه زندگی کردن و استفاده از امکانات و منابع، یافتن راه های مفید برای مشارکت و فرصت های جدید تلاش کنند (موحد و حیدریان، ۱۳۸۶: ۱۰۶۹-۱۰۷۰).

در نهایت می توان اینگونه بیان کرد که، هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر توانمندسازی بر میزان مشارکت اجتماعی در مناطق حاشیه نشین، بر پایه ترکیبی از نظریات پاتنام، فوکویاما، اوفه و فوش بوده و فرضیه اساسی اینگونه تبیین خواهد شد: به نظر می رسد اجرای برنامه های توانمندسازی بر افزایش میزان مشارکت اجتماعی در مناطق حاشیه نشین شهرستان پاکدشت مؤثر بوده باشد. براساس این فرض مدل مفهومی زیر ارائه می گردد

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را در بر گیرنده سبدهای از نهادها، روابط، شبکه ها و هنجارها می داند که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی جامعه را شکل می دهند. در هر حال، قدر مسلم آن است که جوهره انباشت آن اعتماد متقابل و هنجارهای دوسویه میان افراد گروه یا جامعه می باشد. در واقع، قابلیت است که از شیوع اعتماد در جامعه یا بخش های مشخصی از آن پدیدار می شود (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۸) ابعاد مهم سرمایه اجتماعی عبارتند از اعتماد اجتماعی (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱).

توانمند سازی اجتماع محور و مشارکت اجتماعی

جامعه ای که حضور همه اقشار را برای مشارکت در جامعه فراهم کنند، علاوه بر پیشبرد توسعه، به افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه های آن در جامعه از جمله آگاهی، اعتماد، مشارکت اجتماعی و فرهنگ دموکراتیک، کمک فراوانی

خواهند کرد. به هر حال، ربط وثیق جامعه مدنی و ساختار انسانی درون آن به سرمایه اجتماعی، باعث به وجود آوردن مناسبات دموکراتیک و بومی برای سبک توسعه مردمی می شود (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۹).

اعتماد و مشارکت اجتماعی از ابعاد مهم و اساسی در مبحث سرمایه اجتماعی به شمار می آید که در یک تعامل دوسویه و داده و ستانده به یکدیگر سرمایه اجتماعی را شکل می دهند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵).

مشارکت معانی چندگانه دارد. این معانی عبارت است: ۱. در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد؛ ۲. در معنای دوم از تعلق داشتن به گروهی خاص و داشتن سهمی در آن خبر می دهد. مشارکت با توزیع مجدد قدرت سیاسی و اقتصادی در مسیر توسعه پیوند دارد. مشارکت مردمی جزو حیاتی راهبردهای توسعه است که سه عملکرد عمده دارد: ۱. مشارکت اجتماعی ابتدا احساس ارزشمندی مردم را تضمین می کند؛ ۲. مشارکت به عنوان وسیله ای ارزشمند برای بسیج و سازماندهی و تعالی بخشیدن به فعالیت های توسعه خودمردم به شمار می رود؛ ۳. مشارکت به مثابه شبکه ای است که گروه ها و جوامع محلی می توانند از طریق آن به عرصه های بزرگ تر تصمیم گیری دسترسی پیدا کنند. بدون مشارکت راهبردهای توسعه غیرمردمی و بی نتیجه خواهد بود (همان)

توانمند سازی محلات، نیازمند اقدام مشارکتی همه شهروندان یک محله به منظور دستیابی به کنترل و تأثیر بر عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی در آن محله است که یکی از اهداف مهم در توسعه ی پایدار جوامع محسوب می گردد. توانمندسازی در قالب پنج بعد؛ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی قابل تقسیم بندی می باشد و در هر یک از سطوح آن نقش و حضور مردم و اجتماعات محلی بسیار حائز اهمیت است. چنانچه دولت ها و ساختار مدیریت شهری اجتماع محلی را هدف قرار داده و شهروندان را افرادی با پتانسیل های بالقوه در نظر بگیرد که کشف و توسعه دادن توانمندی های آنان اولویت داشته باشد، بی شک توانسته ایم در مسیر توسعه گام برداریم. این شکل از توانمندسازی از سوی دولتهای محلی و ملی به منظور هماهنگی و تسهیل کوشش های محله محور دنبال می شود تا با نوآوری، برنامه ریزی و اجرای طرح ها راه های اصولی برای تعیین مسیر توسط خود اجتماع، سازماندهی توسط خود اجتماع، و مدیریت فرایند از سوی خود اجتماع، دنبال شود. حاصل توانمندسازی در این حوزه توسعه اجتماع محلی است که نوعی نگرش به توسعه از پایین است. در این دیدگاه توسعه اجتماع محلی در صورتی مدار عامل موفقیت و ارتقا بخشی است که از طریق سازمان های غیردولتی قابل دستیابی باشد. بنابراین این امر نیازمند بسیج قابلیت های

درونزای اجتماع است. در این رابطه بهره گیری از سرمایه اجتماعی به مثابه یکی از قابلیت های اساسی اجتماع در برنامه ریزی ها می بایست مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت این سرمایه اجتماعی است که شکل گیری یک اجتماع محلی به مفهوم واقعی را تضمین می کند و مفهوم انسجام اجتماعی محلی را که میزان و کیفیت تعامل و روابط اجتماعی و تقویت شبکه های اجتماعی در محله باز می گردد، شکل می دهد (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). در زمینه موضوع این مقاله پژوهش های مختلفی انجام شده است به عنوان مثال، [محمد حسین عابدی](#) (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود با عنوان تحلیلی بر حاشیه نشینی و سکونتگاه های غیر رسمی (مطالعه موردی بجنورد) این چنین بیان می کند، اسکان غیر رسمی در ایران مانند بسیاری از دیگر کشورهای جهان، پدیده ای رو به رشد می باشد که شهرهای کشور را با مسائل جدیدی روبرو ساخته است. بنا بر برآورد برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد بیش از ۵۰ درصد ساکنان شهرهای کشور های کم در آمد و ۲۰ درصد کشورهای با درآمد متوسط در سکونتگاه های غیر رسمی زندگی می کنند و شهر بجنورد نیز مانند سایر شهرهای ایران با پدیده اسکان غیر رسمی مواجه است که در این مقاله به بررسی آسیب شناسی کالبدی آن پرداخته می شود. مهمترین علل اسکان غیر رسمی و حاشیه نشینی از گسترش بی رویه شهرها ناشی می شود در مورد چگونگی ایجاد مناطق حاشیه ای و پیدایش پدیده حاشیه نشینی دلایل زیادی گفته شده اما به طور کلی می توان گفت که تا حدود زیادی این پدیده ریشه در مهاجرت دارد هدف از بررسی حاضر شناخت شرایط و ویژگی های محیط مورد بررسی بوده تا زمینه های کاهش آسیب های کالبدی و اجتماعی مشخص گردد و همچنین بتوان از طریق بررسی دقیق تدابیری اندیشیده شود تا محیط این بافت ها به محیطی بهتر تبدیل شود. بنابراین در این رساله با استفاده از روشی تحلیلی و تبیینی با رویکرد کیفی و کمی سهمی در باز نمایی آسیب های این پدیده بر روی شهر و حاشیه نشینان شده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است با توجه به تلاش های مسئولین ذیربط و در اولویت قرار دادن این معضل شهری ایجاد و اختصاص شهرداری مستقل و جداگانه ای و همچنین تخصیص بودجه های مورد نیاز برای این مناطق شاهد حل مشکلات حاشیه نشینان و ارائه خدمات شایسته ای به این مناطق نسبت به سایر مناطق شهری هستیم

زنگنه و حسین آبادی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر امنیت ادراکی تصرف و نقش آن در توانمندسازی ساکنان سکونتگاه های غیررسمی؛ امنیت تصرف را از مهمترین مسائلی دانسته اند که سکونتگاه های غیررسمی با آن مواجه

هستند توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی از سیاست های تأمین امنیت تصرف است. امنیت تصرف و حمایت از ساکنان این سکونتگاه ها در مقابل تخریب و تخلیه ی غیر داوطلبانه ی مسکن، نقش عمده ای در ارتقای کیفیت مسکن دارد.

عابدینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تحلیل تطبیقی شاخص های مسکن در سکونتگاه های غیر رسمی، معتقد است که توجه به افزایش جمعیت شهری در کشورهای جهان سوم و عدم برنامه ریزی صحیح و تدارک زیرساخت های لازم برای شهر نشینان، در سیستم مدیریت شهرها مشکلاتی به وجود می آورد که به شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی منجر می شود. مسکن ساکنان سکونتگاه های غیررسمی نمودی از فقدان شاخص های مسکن مناسب است که شناسایی و تقویت برخی از این شاخص ها به افزایش کیفیت زندگی کمک خواهد کرد.

زکی خانی (۱۳۹۲)، در بررسی خود با عنوان پیامدهای توسعه نامتوازن: مطالعه ی موردی حاشیه نشینی در خط چهارم حصار شهر کرج، نشان داد که افراد در محل قبلی (قبل از آمدن به این حاشیه نشینی از خدمات رفاهی آموزشی، خدمات رفاهی درمانی و درآمد مالی به اندازه لازم بهره مند نبودند و به مراکز توزیع کالا و خدمات و بازار کار دسترسی نداشتند. در مقابل، در محل فعلی (حاشیه نشینی خط چهارم حصار کرج)، از خدمات رفاهی آموزشی، خدمات رفاهی درمانی و درآمد مالی به اندازه لازم برخوردارند و به مراکز توزیع کالا و خدمات و بازار کار دسترسی دارند.

علیزاده اقدم و حمیده محمدمامینی (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل گیری مناطق حاشیه نشین با نگرش ویژه بر شهر خمین چنین عنوان میکنند که، پدیده حاشیه نشینی پدیده ای شهری است که با توجه به رشد شهرنشینی بی رویه در جهان، ایران و وجود مهاجرت های روستا - شهری شکل گرفته و گسترش یافته است، حاشیه نشینی به عنوان برهم زننده تعادل فیزیکی شهرها، نشان دهنده توسعه ناموزون شهری و منطقه ای است و دغدغه بسیاری از متخصصین شهری، جامعه شناسان، معماران و غیره است. نتایج این مطالعه نشان داد که مهاجرت از روستاها به اطراف شهر خمین مهم ترین عامل حاشیه نشینی بوده است و پس از آن پسران های شهری مانع ورود افراد به شهرها شده است. همچنین احساس حاشیه نشینی بر حسب جنسیت افراد متفاوت نیست و زنان و مردان، به لحاظ احساس حاشیه نشینی، وضعیت یکسانی دارند. همچنین در بحث پیامدهای ناشی از این پدیده (حاشیه نشینی) مشخص شد که بین گرایش به مشارکت و احساس حاشیه نشینی رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد..

خلیفا (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان ارتقاء استراتژی تکامل سکونتگاه های غیر رسمی در مصر: از سهل انگاری تا توسعه مشارکتی معتقد است موضوع سکونتگاه های غیررسمی نشان دهنده یک چالش کلیدی نه تنها در مصر، بلکه در سراسر جهان است. در مصر، با وجود همه تلاش ها برای مهار رشد سکونتگاه های غیررسمی، این سکونتگاه ها به طور پیوسته در حال رشد هستند. با تغییر سیاست ها به سیاست های مشارکتی این تغییر یک راه حل تحریک کننده است تا با استفاده از روش های معاصر توسعه مشارکتی و سیاست های مسکن با هدف ارائه سرپناه مقرون به صرفه به فقیرای شهری گام های موثر در بهبود سکونتگاه های غیر رسمی برداشته شود.

چاکرویاری^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان داده های در دسترس برای سکونتگاه های غیررسمی: به سوی یک راهنمای کاربر برای مدیران و برنامه ریزان شهری، معتقدند دسترسی به داده های اسکان غیررسمی در فضا از نظر قانونی و کیفیت وجود اطلاعات در مورد آنها در طول تاریخ محدود شده است. با این حال، به منظور استفاده از داده ها به طور موثر، مدیران و برنامه ریزان شهری نیاز به حرکت جهت دستیابی به این منابع جدید، نرم افزارها، سیستم عامل های سرور و همچنین کسب مهارت های لازم دارند. این امر نیازمند ورودی و منابع، فعالیت های و خروجی و نتایج دارد. در نهایت، با استفاده از نمونه هایی از فعالیت های در حال انجام در بمبئی، نشان می دهد که چگونه دسترسی به منابع داده ها می تواند برای درک شهرنشینی و یکپارچه سازی بهتر سکونتگاه های غیر رسمی به مدیریت و برنامه ریزی فرآیندهای رسمی شهری کمک کند.

باتوجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه شده سوال اصلی پژوهش به شرح زیر است:

توانمندسازی در مناطق حاشیه نشین، تاثیر معنادار و مثبتی در افزایش مشارکت اجتماعی دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا پیمایشی می باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنان شهرستان پاکدشت (محل استاد شهریار) بودند که جمعیت مناطق حاشیه نشین آن در حدود سی هزار نفر تخمین زده می شود که به این ترتیب حجم نمونه با استفاده از جدول کوکران عدد ۳۷۹ به دست آمده است. ابزار مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن از طریق مصاحبه و مشورت با

¹ Khalifa

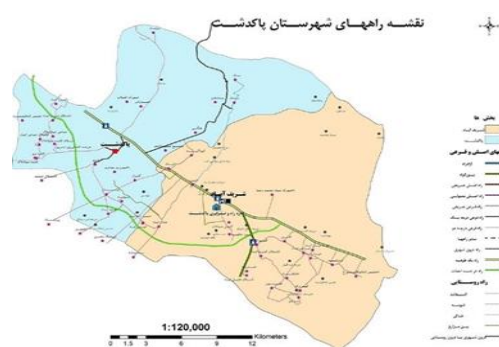
² ChakrabortyA

اساتید و کارشناسان تأیید شده، استفاده گردید و برای سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب آلفای محاسبه شده برای پرسشنامه مشارکت اجتماعی ۰,۸۷ و برای پرسشنامه توانمند سازی ۰,۸۵ بوده و برای هر دو پرسشنامه بیشتر از ۰,۷ میباشد، و قابلیت اعتماد پرسشنامه‌های تحقیق حاضر در حد قابل قبولی می‌باشد. پرسشنامه‌ها پس از تنظیم در بین جامعه آماری توزیع شد و سپس جمع‌آوری شده و پاسخ‌های آن جهت بررسی و سنجش متغیرهای مورد مطالعه بکار رفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. با استفاده از این نرم‌افزار، پس از جمع‌آوری داده‌ها و بررسی متغیرهای جمعیت شناختی با استفاده از آمار توصیفی، اقدام به اجرای آزمون‌های آمار استنباطی شد. در این تحقیق جهت بررسی فرضیات و پاسخگویی به سؤالات تحقیق از آزمون رگرسیون استفاده گردید.

معرفی محدوده تحقیق

شهرستان پاکدشت یکی از شهرستان‌های استان تهران است. این شهرستان در جنوب شهر تهران و مرکز آن شهر پاکدشت است. بنابر سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۰۰۲۲۸ خانوار شامل ۴۱۰۶۰۹ نفر در این شهرستان ساکن بوده‌اند که از این تعداد ۱۷۹,۳۷۵ نفر مرد و ۱۷۱,۵۹۱ نفر زن بودند. پاکدشت از شهرستان‌های استان تهران و از مهاجرپذیرترین شهرستان‌های ایران است. پاکدشت همچنین به دلیل سطح بالای زیر کشت سبزیجات و گل و گیاهان زینتی (که به تمام نقاط ایران و حتی خارج از کشور صادر می‌شود) به پایتخت گل و گیاه معروف شده است و طی چند سال گذشته کشت زعفران نیز رواج داشته است. همچنین سایت و مناطق نظامی پارچین در این شهرستان واقع شده که اهمیت آن را دوچندان نموده است. پاکدشتی که اکنون می‌بینیم، در اصل شامل شماری روستا و شهر است که در دوران باستان دهکده‌هایی در دشت ری بوده‌اند. تاریخی کهن در دل خود دارد که بیانگر گذار اقوام مختلف و مهاجرت آنان از سرزمین‌های دور به این دیار و یادآور جنگ‌ها و ستیزهای مکرر گروه‌های اجتماعی از اقوام گوناگون و شخصیت‌های شهیر تاریخ می‌باشد. پیشینه آبادانی این دشت که در حاشیه‌های جنوبی و جنوب شرقی تهران واقع است را باید در آغازین روزهایی که تاریخ شاهد عظمت و شکوه شهر باستانی ری بوده است جستجو کرد. دیاکونوف در تاریخ ماد با تأکید بر قدمت این شهر و آبادی‌های اطراف آن که زادگاه زرتشت و سرزمین مغان است می‌نویسد: روایات متأخر قرون وسطی به تقریب متفقند که زرتشت از مردم ماد بوده است و زادگاه پیامبر را گاهی ری (در ماد شرقی) ذکر می‌کرده‌اند.

نتایج به دست آمده از کشفیاتی که در سال‌های اخیر انجام گرفته نشان می‌دهد که در آستانه تاریخ مدون کشور ما یکی از مراکز عمده تمدن بوده است. اطلاعات پیش از تاریخ در بخشی از این منطقه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که آثار به دست آمده از آن‌ها قابل مقایسه با تمدن ری می‌باشد. بررسی‌های مذکور تمدن تپه‌های پوئینک و خورین که در نزدیکی منطقه پاکدشت واقع‌اند را به هزاره پنجم ق. میلادی می‌رسانند مطالعات ابتدائی نیز نشان می‌دهد در هزاره اول قبل از میلاد حدود سال‌های ۱۲۵۰ و ۱۳۰۰ قبل از میلاد تمدن معروف به سفال در این منطقه از رشد و شکوفایی قابل توجهی برخوردار بوده است. در بقایای ویرانه‌ها تکه‌های سفال به رنگ‌های فیروزه‌ای، آبی، طلائی و بسیاری رنگ‌های دیگر با زبان بی‌زبانی تاریخ را بازگو می‌کنند و این یادبود گذشته‌ای است که هنر، تمدن و ذوق نسل‌های پیشین را در خود دارد. به‌خوبی روشن است که بررسی آثار باستانی این منطقه چنانچه بطور کامل انجام گیرد تمدن این منطقه را به پیش از دوران نوسنگی می‌رساند. طبق اظهارات پژوهشگران اسامی بسیاری از روستاهای پاکدشت نام‌هایی باستانی‌اند. از این‌رو کاوش در تپه‌ها و مناطق مختلف احتمالاً به اکتشافاتی در این زمینه منجر می‌گردد. از جمله این اسامی می‌توان به نام روستای مامازند، بیر و ... اشاره کرد که محققین این اسامی را به دوران مهرپرستی ایرانیان نسبت می‌دهند.



شکل ۱. نقشه ماهوراه‌ای از منطقه مسکونی پاکدشت تهران

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی: توصیف متغیر توانمند سازی

جدول ۱: توصیف متغیر توانمند سازی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کوچک‌ترین داده	بزرگ‌ترین داده
۳۷۹	۳/۳۴	۰/۵۴	۰/۳	۱/۹۲	۴/۸۴

با توجه به جدول فوق متغیر توانمندسازی داری کوچک‌ترین داده ۱/۹۲، بیشترین ۴/۸۴، میانگین ۳/۳۴، انحراف معیار ۰/۵۴ و واریانس ۰/۳ می‌توان گفت بسیاری از محققان بر توانمندسازی به‌عنوان یک رویکرد سیاسی دوجانبه متمرکز شده‌اند، روند اخیر تحقیقات، به‌طور فزاینده‌ای، توانمندسازی را به‌عنوان ساختاری چندبعدی، با ابعاد روان-شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته‌اند و در این پژوهش نیز توانمندسازی در سه بعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

توصیف متغیر مشارکت اجتماعی

جدول ۲: توصیف متغیر مشارکت اجتماعی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کوچک‌ترین داده	بزرگ‌ترین داده
۳۷۹	۳/۲۸	۰/۵۷	۰/۳۲	۱/۸۲	۴/۸۲

با توجه به جدول فوق متغیر مشارکت اجتماعی داری کوچک‌ترین داده ۱/۸۲، بیشترین ۴/۸۲، میانگین ۳/۲۸، انحراف معیار ۰/۵۷ و واریانس ۰/۳۲ می‌باشد.

بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

جدول ۳: بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

آزمون Kolmogorov-Smirnov			
نتیجه	آماره Z	سطح معنی‌داری	
غیر نرمال	۰/۰۹	۰/۰۰۰	مشارکت اجتماعی
غیر نرمال	۰/۰۶	۰/۰۰۱	توانمندسازی

نتایج آمار استنباطی:

توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین، تأثیر معنادار و مثبتی در افزایش مشارکت اجتماعی دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی اسپرمن رابطه بین توانمندسازی با مشارکت اجتماعی

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۳۷۹	۰/۷۶	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و می‌توان بیان داشت با ۹۵ درصد اطمینان بین توانمندسازی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد و هرچقدر توانمندسازی افزایش یا کاهش پیدا کند مشارکت اجتماعی افزایش یا کاهش می‌یابد.

بحث

نتایج آزمون نشان داد که بین توانمندسازی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد و هرچقدر توانمندسازی افزایش یا کاهش پیدا کند مشارکت اجتماعی افزایش یا کاهش می‌یابد. نتیجه این پژوهش با پژوهش اعظمی و همکاران (۱۳۹۵) و طالبی و غفوری (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. در واقع مسیر توانمندسازی موجب توسعه مشارکت اجتماعی می‌شود. مشارکت اجتماعی از مبانی سرمایه اجتماعی در جوامع دموکراتیک به حساب می‌آیند. جوامعی که حضور همه اقشار را برای مشارکت در جامعه فراهم کنند، علاوه بر پیشبرد توسعه، به افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در جامعه از جمله آگاهی، اعتماد، مشارکت اجتماعی و فرهنگ دموکراتیک، کمک فراوانی خواهند کرد (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۹).

آنچه در تمام رویکردهای توانمندسازی اجتماع محور مطرح است تأکید بر حضور افراد با منافع و ارزش‌های مشترک. شبکه‌های اجتماعی میان آنان است. در نتیجه شبکه‌های اجتماعی مدنی (تعاونی‌ها، انجمن‌ها و...) از شکل‌های ضروری سرمایه اجتماعی هستند که با تراکم هرچه بیشتر این شبکه‌های مشارکتی احتمال فعالیت و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بیشتر خواهد شد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با نگاهی به وضعیت موجود محله‌های محروم در شهرهای کشور، که هر روزه میزان جمعیت و نیازهای آنان و به تبع آن مشکلات و آسیب‌های اجتماعی‌شان افزایش می‌یابد و از طرفی منابع و ظرفیت‌های نهادهای دولتی ذی‌ربط که به تناسب آن کمتر توسعه پیدا می‌کند، ضرورت توجه به منابع انسانی جامعه و پتانسیل‌های آنها برای مشارکت و همراهی در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات لازم بیش از پیش مشهود می‌گردد. با توجه به تایید تاثیر توانمندسازی در افزایش مشارکت اجتماعی در منطقه مورد مطالعه، پیشنهاد می‌شود با افزایش توانمندی‌های مناسب در حوزه ایجاد مشارکت بیشتر مناطق حاشیه‌نشین اقدام نمود. مثلاً طرح‌های ساخت و ساز و استفاده از نیروی کار این مناطق در مشارکت در ساخت.

در یک جمع‌بندی کلی برای رفع مشکل حاشیه‌نشینی می‌توان به چهار اصل عمده که خود دارای زیرشاخه‌های فراوانی هستند، اشاره نمود:

اصل اول) حل معضل بیکاری در شهرهای مبدأ مهاجرت یا موطن اصلی مهاجران؛

اصل دوم) تأمین مسکن افراد از طریق ساخت مسکن (در قالب مسکن مهر یا پرداخت وام‌های بلندمدت و کم بهره به افراد دارای شرایط)؛

اصل سوم) پرداخت وام برای حل مشکل اشتغال و در اختیار گذاشتن امکانات دامداری و کشاورزی در روستاها و شهرهای محل سکونت؛

اصل چهارم) ایجاد بسترهای لازم برای تحصیل و آموزش فرزندان این اقشار و ارتقاء سطح امکانات بهداشتی و درمانی آنان؛

پیشنهاد‌های پژوهشی

-ارجاعات و موارد مورد مطالعه به منظور بسط و تعمیم پژوهش به مناطق وسیع‌تر گسترش یابد.

- برای بهره‌گیری از نتایج بهتر، موضوع حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ بیش از پیش مورد توجه محققان و پژوهشگران علوم انسانی، جامعه‌شناسان و محققان قرار بگیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷: ۲۲-۱.
- امیری، آزاده؛ استعلاجی، علیرضا و رستمی پایدار، قدرت اله (۱۳۸۹) حاشیه نشینی چالشی فراوری توسعه پایدار شهری (با تاکید بر کلان شهر اهواز) فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، دوره ۵، شماره ۲۰: ۲۳۳-۲۱۳.
- توکلان، علی و انوشیروان مهری، ۱۳۹۶، توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه نشین، سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، شیراز، موسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی.
- ربانی، رسول و افشار کهن، جواد (۱۳۸۱)، حاشیه نشینی و مشارکت شهری (مطالعه موردی: منطقه ارزنان اصفهان در سال ۱۳۸۰)، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۴: ۹۵-۱۰۱.
- رضازاده، راضیه؛ محمدی آیدغمیش، فاطمه؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۱) توسعه اجتماعی محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی رویکرد دارایی مبنا (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن، منطقه ۱۷ تهران)، مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی آمایش فضا، دوره ۱۶، شماره ۲: ۳۷-۵۵.
- زکی خانی، محمد صادق. (۱۳۹۲). پیامدهای توسعه نامتوازن: مطالعه موردی حاشیه نشینی در خط چهارم حصار شهر کرج. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۵.
- زنگنه، یعقوب و حسین آبادی، سعید (۱۳۹۳) تحلیلی بر امنیت ادراکی تصرف و نقش آن در توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی قلعه نو دهر از سبزوار)، مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۴، شماره ۴: ۱۵۷-۱۷۸.

- طالبی دلیر، معصومه و محبوبه غفوری (۱۳۹۳) سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و توانمندسازی، کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی، گرگان، مرکز علمی و کاربردی خانه کارگر گرگان.
- علیزاده اقدام، محمدباقر و محمدامینی، حمیده (۱۳۹۱) تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه نشین با نگرش ویژه بر شهر خمین، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، شماره ۲: ۱۳۸-۱۲۱.
- قزل سوفلو؛ ملیحه و انتظام، سیدعلی اکبر (۱۳۹۴) بررسی رویکرد توانمندسازی در سازمان‌دهی حاشیه شهر نمونه موردی: شهرک مهدی‌آباد مشهد، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران یزد، بهمن ماه: ۲۵-۱.
- مرادزاده، عبدالباسط؛ قاسمی، محمد؛ سالارزهی، حبیب‌الله؛ یعقوبی، نرمحمد؛ بذرافشان، جواد (۱۳۹۷) توانمندسازی اجتماع محور: ارزیابی ظرفیت سرمایه اجتماعی ذینفعان محلی، مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۴: ۵۲۲-۵۰۳.
- سعیدی رضوانی، نید؛ انصاری، محمدحسین و توحیدلو، وحیده (۱۳۹۰) بررسی و ارائه راهکارهای توانمندسازی اجتماع محور با تأکید بر مشارکت مردمی در ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیر رسمی (نمونه موردی: شیراز، کرمانشاه و سنندج)، نشریه معماری و شهرسازی، دوره ۳، شماره ۴۱ و ۴۲.
- *Khalifa, M., (2015), Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: From negligence to participatory development, Ain Shams Engineering Journal, Volume 6, Issue 4, December 2015, Pages 1151–1159.*
- *Chakraborty A., Wilson, B., Sarraf, S., Arnab Jana, A., (2015), Open data for informal settlements: Toward a userBs guide for urban managers and planners, Journal of Urban Management, Volume 4, Issue 2, December 2015, Pages 74–91.*